

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:  
The Analysis of Grotesque Body in Dābbat al-Arḍ Figures of Falnama Based on Bakhtin's  
Approach  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

## تحلیل گروتسک در نگاره دابه الارض فالنامه‌ها بر اساس رویکرد باختین\*

فرزانه واحد دهکردی<sup>۱</sup>، زهرا فنایی<sup>۲\*</sup>، مهدی دهباشی<sup>۳</sup>، سید علی مجابی<sup>۴</sup>

۱. پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲. استادیار گروه هنر، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
۳. استادیار گروه فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۴. استادیار گروه هنر، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۷

### چکیده

بیان مسئله: یکی از قالب‌هایی که در هنر برای بازنمایی پیکره مغایر با چارچوب‌های معمول به کار گرفته می‌شود، گروتسک است. گروتسک با تحریف حقیقت و از شکل انداختن آن می‌کوشد تا با ساخت محتوای هیولانگونه ترس و طنز را توأمان به تصویر کشد. در تفکر متافیزیکی بدن ایده‌آل همان بدن سالم است و بدن گروتسک قواعد چنین بدنی را به چالش می‌کشد، نقض یا گاه از نو بازنویسی می‌کند. بدن گروتسک یکی از اصلی‌ترین مفاهیمی است که باختین مطرح کرده است؛ بدنی ناتمام که مدام در حال شدن و سیوروت است؛ مفهومی برخاسته از کارناوال و رئالیسم گروتسک، رویدادی نو و تازه که در مجاورت این دو شکل می‌گیرد. در فالنامه‌های مصور، نگاره‌ای با موضوع دابه‌الارض دیده می‌شود. این نگاره ویژگی‌های بصری خاصی دارد که با مشخصات گروتسک منطبق و براساس آرای باختین در این رابطه قابل تحلیل است.

هدف پژوهش: این پژوهش ضمن تطبیق ویژگی‌های گروتسک در نگاره دابه‌الارض موجود در فالنامه‌ها، به تحلیل ویژگی‌هایی که باختین در ارتباط با کارناوال و بدن گروتسک مطرح کرده، در پیکره دابه‌الارض می‌پردازد.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع کیفی بوده و به شیوه توصیفی، به تطبیق مشخصات گروتسک در نگاره دابه‌الارض پرداخته است. در ادامه مطابق با تحقیقات نظریه‌مبنا، به تحلیل پیکره دابه‌الارض براساس آرای باختین در ارتباط با بدن گروتسک پرداخته است. روش گردآوری داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌های گروتسکی مانند وحشت‌آور و خنده‌دار بودن، افراط و اغراق، ناهنجاری و ناهماهنگی در نگاره دابه‌الارض به چشم می‌خورد؛ از سوی دیگر شاخصه‌هایی مانند ناتمامی، حس مرگ، ماسک (مسخ)، تضاد و دوگانگی، درهم‌آمیختگی و قطع عضو که باختین در ارتباط با کارناوال و بدن گروتسک مطرح کرده، نیز در پیکره دابه‌الارض قابل تشخیص است.

**واژگان کلیدی:** گروتسک، میخائیل باختین، بدن گروتسک، کارناوال، فالنامه، دابه‌الارض.

تغییر شکل یافته به‌ویژه در چهره و بدن انسان می‌دانند که همچنان که وحشت‌آورند، منجر به خنده خواهند شد.

مشاوره «دکتر سید علی مجابی» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان انجام شده است.  
\*نویسنده مسئول: zahraf1351@gmail.com; ۰۹۱۳۳۱۰۰۶۷۲

**مقدمه و بیان مسئله**  
گروتسک را اشکال عجیب و غریب و مسخ‌شده و

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «فرزانه واحد دهکردی» تحت عنوان «تحلیل نمود گروتسک در فالنامه‌ها بر اساس آراء کایزر، باختین، هارفام و کوریلوک» به راهنمایی «دکتر زهرا فنایی» و «دکتر مهدی دهباشی» و

است: «گروتسک در هنر و ادبیات» اثر کایزر (Kayser, 1963)، «دنیای رابله» اثر باختین (Bakhtin, 1984) «درباره گروتسک، استراتژی‌های تضاد در هنر و ادبیات» (Harpham, 2007)، «سالومه و یهودا در غار شهوانیت: گروتسک، تکنیک‌ها، ریشه‌ها و شمایل‌نگاری» (Kuryluk, 1987)، کاربرد نظریات زیبایی‌شناسی باختین نخستین بار توسط دبرا هاینز (۱۹۵۵) صورت گرفته است. هاینز در کتاب خود با عنوان «باختین و هنرهای تجسمی» با توجه به نظریات باختین در ارتباط با هنرهای تجسمی نقد جدیدی در هنرهای تجسمی مطرح کرده است. مقالات متعددی نیز در ارتباط با تحلیل گروتسک در آثار ادبی به چاپ رسیده است.

افتخاری یکتا و نصری (۱۳۹۵) در مقاله «نمود بدن گروتسک در نقاشی‌های محمد سیاه قلم بر مبنای اندیشه میخائیل باختین» به نمود گروتسک در هنر پرداخته و گروتسک موجود در تصویر موجودات خیالی آثار محمد سیاه قلم را بر اساس رویکرد باختین تحلیل کرده‌اند. فنایی و واحددهکردی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رابطه کهن‌الگوی شر با مفهوم گروتسک در نگاره‌های البلهان ابومعشر بلخی بر اساس رویکرد کایزر» ویژگی‌های گروتسک را در نگاره‌های البلهان برشمرده و تصاویر موجودات شر را با نظریات کایزر در رابطه با گروتسک، تطبیق داده‌اند. طاهری قمی (۱۳۹۹ الف) در کتاب «حکمت غریب نقش عجیب» به کشف مبانی حکمی و فرهنگی عجایب‌نگاری و سابقه آن در فرهنگ ایرانی، نگارش متون و نگارگری پرداخته است. طاهری قمی (۱۳۹۹ ب) همچنین در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نسبت قوه خیال با عجایب‌نگاری در نگارگری ایرانی اسلامی» به این نتیجه رسیده که عجایب‌نگاری در هنر ایرانی اسلامی دارای بنیان‌های روشنی در باب «قوه خیال» و کارکردهای «متخیله» در آراء حکیمانی چون «فارابی»، «ابن سینا»، «شیخ اشراق»، «صدرالمطلبین» و دیگران بوده و در آثار نگارگری ایرانی اسلامی متجلی شده است. آنچه برخی پژوهشگران در حیطه پژوهش‌های پیرامون گروتسک باختین از آن غفلت ورزیده‌اند، درک این نکته است که باختین به مقوله طنز در گروتسک بیش از ترس پرداخته است. به‌طور مثال امامی و کامرانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ویژگی‌های بدن گروتسک در آثار چهار نقاش معاصر ایران» انسجام و تمامیت از بین‌رفته بدن و آشنایی‌زدایی را در آثار انتخابی بررسی کرده و با بهره‌گیری از نظریات باختین آنها را بیشتر از جهت وحشت‌آوری تحلیل کرده‌اند. این پژوهش ضمن پرداختن به مفهوم گروتسک و ویژگی‌های آن، به تحلیل این ویژگی‌ها در نگاره دابه‌الارض موجود در فالنامه‌ها بر اساس رویکرد باختین می‌پردازد.

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی بوده و از آن جهت که به کشف و

ساختارگرایی مانند ولفگانگ کایزر و میخائیل باختین با پژوهش در حیطه گروتسک هریک از منظر متفاوت ویژگی‌های آن را برشمرده‌اند و در نهایت این سبک هنری را در صدد تشریح جهانی بیگانه از خود دانسته‌اند که در آن قدرت جهت‌گیری نیست (فنایی و واحددهکردی، ۱۴۰۰، ۷۷). به‌طور کلی ویژگی‌های گروتسک را می‌توان در ناهماهنگی، افراط و اغراق، ناهنجاری عناصر خنده‌آور و خوفناک، خلاصه کرد. درک باختین از گروتسک بسیار مثبت‌تر از کایزر است. او با ایجاد ارتباط بین ایده کارناوال و بدن گروتسک، ویژگی‌های متمایز دیگری را برای گروتسک مطرح می‌کند. باختین می‌گوید «نمی‌توان امید داشت که کارناوال جهان را تغییر دهد اما می‌توان با کارناوال ارتباط درونی انسان با جهان را تغییر داد» (نولز، ۱۳۹۱، ۳۸). در نگارگری ایرانی پیکره‌هایی دیده می‌شود که گاه به‌دلیل ناشناختگی برای هنرمند و گاه به‌دلیل مفهوم دوگانه مستتر در موضوع، در قالب گروتسک مصور شده است. در این میان در فالنامه‌های مصور نیز که کتبی جهت تعیین سعد و نحس امور بوده‌اند و در زمان صفویه رواج زیادی داشته‌اند، نگاره‌ای با موضوع دابه‌الارض دیده می‌شود که با ویژگی‌های گروتسک هم‌خوانی دارد. دابه‌الارض را جنبنده زمینی و موجودی ناشناخته تعریف کرده‌اند که از نشانه‌های آخرالزمان بوده و برای جداکردن کافر و مؤمن از زمین بیرون می‌آید. گرچه بیشتر علما دابه‌الارض را از اسرار قرآن دانسته‌اند، اما برخی از اهل سنت آن را موجودی غیرعادی، بسیار بزرگ، دارای دم و پر معرفی کرده‌اند. در نگارگری، پیکره‌های انسانی گاه چندان بی‌نقص‌اند که گویی صرفاً کالبدی برای روح لایتناهی در نظر گرفته شده‌اند؛ در حالی که در دابه‌الارض بدنی دیده می‌شود که متفاوت از سایر پیکره‌های انسانی بوده و با ویژگی‌های کارناوالی و ناتمامی به یک بدن دیگر قابل تبدیل است. پیکره دابه‌الارض به‌دلیل ویژگی‌های بصری خاص و متمایز با صورت‌بندی باختین از کارناوال و بدن گروتسک قابل تحلیل است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر است:

ویژگی‌های گروتسکی نگاره دابه‌الارض کدام‌اند؟

نگاره دابه‌الارض بر اساس گروتسک باختین چگونه قابل تحلیل است؟

بر این اساس پس از تعریف گروتسک و برشمردن ویژگی‌های آن، نظریات بنیادین باختین در این رابطه مطرح و سپس به تطبیق گروتسک در پیکره دابه‌الارض و تحلیل کارناوال و بدن گروتسک در آن پرداخته شده است.

### پیشینه پژوهش

در ارتباط با گروتسک آثار چهار نظریه‌پرداز مورد توجه

جدا ساختن مسلمانان از منافقان و علامت گذاری آنهاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۱۵، ۵۵۲).

### گروتسک

در دایرةالمعارف هنر چنین آمده است: «گروتسک یا عجایب پردازی در اصل به شیوه آرایش دیوار و سقف سردابه (گرتو) های مکشوف در ویرانه های روم باستان اطلاق می شد (در این تزیینات، شکل های خیالی آدمیان، جانوران، گل ها و گیاهان در طرحی متقارن به هم بافته شده اند). این اصطلاح در سده شانزدهم میلادی رواج عام یافت و در مورد شکل های کژنما و اغراق آمیز، ترسناک یا مضحک - به خصوص در مجسمه سازی - به کار برده شد (پاکباز، ۱۳۸۱، ۴۴۶).

گروتسک صفتی است که در کل برای هر چیز عجیب و غریب فانتزی و زشت، نامتجانس و ناجور یا مشمئزکننده به کار می رود و بنابراین اغلب برای توصیف اشکال غیرعادی و مرموز و فرم های از ریخت افتاده مانند ماسک های نوین استفاده می شود. کاربرد واژه های گروتسک و اشکال بصری آن مدت ها تنها محدود به نقاشی های عتیقه و یا نقاشی های جدیدتر به سبک آن ها بود و در قرن شانزدهم این کلمه در مورد ادبیات و حوزه هایی غیر از نقاشی، مجسمه سازی و معماری به کار رفت. اما این واژه خیلی قبل تر از آنکه کاربرد متعارفی پیدا کند، وجود داشته است. در جشن های مذهبی جوامع اولیه غربی در ادوار مختلف، در موجودات دورگه افسانه ای مانند گول ها و خدایان اسطوره ای، در مراسم کارناوالی و سایر جشن های جامعه مسیحی، در سده های میانه، در آیین های بورسک و جشن ایام تعطیلی دوره رنسانس و در مجموع بخش زیادی از آنچه که می توان امر گروتسک نامید، از فعالیت جمعی توده عوام ناشی شده است (مکاریک، ۱۳۸۴، ۲۴۵). اما گروتسک به عنوان صفت در اوایل سده هجدهم این معنای کلی تر را پیدا کرده بود: مضحک، تحریف شده، غیرطبیعی و به عنوان اسم: جفنگ و تحریف طبیعت (تامسون، ۱۳۹۸، ۱۷).

### • ویژگی های گروتسک

گروتسک یک شیوه همه گیر بوده و خصوصیات معنایی آن کمابیش در همه فرهنگ ها قابل تشخیص است. هرچند خاستگاه گروتسک را به روم منسوب می کنند، اما روحیه گروتسکی در کشورهای مختلف به صورت جداگانه وجود داشته است؛ این مسئله در اثر تکنانه ها و تنش های اجتماعی و گاه مربوط به روحیه هنرمندان بوده است. عناصر موجود در گروتسک را به صورت عمده می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

### - ناهماهنگی

یکی از مشخصه های اصلی گروتسک در طی زمان، عنصر ناهماهنگی است که مصداق آن تضاد و تعرض و آمیزه امور ناهمگون یا امتزاج اجزاء نامتجانس است. این ناهماهنگی ها در

شناخت ویژگی های گروتسک از دیدگاه باختین و تطبیق این ویژگی ها در نگاره های دابه الارض می پردازد، به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام می شود. در پاسخ به چرایی و چگونگی به کارگیری ویژگی های گروتسک با توجه به رویکرد باختین در پیکره دابه الارض نظریه مبنا بوده و از روش تحلیل ساختار و محتوا استفاده می شود. جمع آوری مطالب از طریق داده های کتابخانه ای و اسنادی به شیوه فیش برداری است. جامعه آماری، نگاره هایی با موضوع دابه الارض موجود در فالنامه های مصور است که مجموعاً چهار نگاره بوده و به صورت هدفمند انتخاب شده اند (تصویر ۱).

### دابه الارض

واژه «دابه» از نظر معنا، جنبنده ای است که قابل اطلاق بر انسان و غیرانسان است (قرشی، ۱۳۷۷، ۲۹). دابه الارض یا جنبنده زمینی، موجودی ناشناخته است که از زمین خارج شده و کافر و مؤمن را از هم جدا می کند. این موجود از نشانه های آخرالزمان یا قیامت دانسته شده است. دابه الارض ممکن است از یکی از زمین های نجف، مدینه، مکه، بین صفا و مروه، بیرون آید. وی پس از خارج شدن از زمین به سمت یمن و شام می رود. در قرآن (آیه ۸۲ سوره نمل) به ماجرای دابه الارض اشاره شده است. برخی از علمای شیعه دابه الارض را بر امام علی (ع) یا امام مهدی (عج) تطبیق داده اند و گروهی دیگر نیز آن را با رجعت مرتبط دانسته اند. در مقابل، برخی از اهل سنت آن را موجودی غیر عادی، بسیار بزرگ، داری دم و پر معرفی کرده اند. علامه طباطبایی دابه الارض را موجودی جاندار (انسان یا غیرانسان) می داند ولی معتقد است ماجرای دابه الارض از اسرار قرآن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۵۶).

قرآن دابه الارض را به صورت سربسته بیان کرده و می گوید: موجود متحرک و جنبنده ای است که خدا او را از زمین در آستانه رستاخیز، ظاهر می سازد. او با مردم سخن می گوید و سخنش این است که مردم به آیات خدا ایمان نمی آورند. گروهی آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیرعادی از غیر جنس انسان دانسته و معتقدند مصداق این کلمه همان حیوان است (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ ه. ق، ۳۸۴). در بعضی از روایات نیز از او با شکلی عجیب یاد شده و ویژگی های مختلفی را برای او ذکر کرده اند (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ ه. ق، ۷۳). جمعی دیگر به پیروی از روایات متعدد دیگری که در این زمینه وارد شده او را یک انسان می دانند، یک انسان فوق العاده، یک انسان متحرک و جنبنده و فعال که در آخرالزمان ظاهر می شود و یکی از کارهای اصلی اش



نگاره ۴. دابه الارض، فالنامه.

1570s. TSM H.1702,f47b

موزه توپقاپی سرای - استانبول



نگاره ۳. دابه الارض، فالنامه.

1570s. TSM H1702,f1b

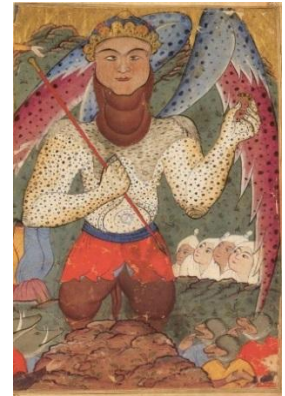
موزه توپقاپی سرای - استانبول



نگاره ۲. دابه الارض، فالنامه.

H. 1703, f.22b

موزه توپقاپی سرای - استانبول



نگاره ۱. دابه الارض، فالنامه.

Dresd. Eb. 445

موزه کتابخانه درسدن - درسدن

تصویر ۱. معرفی نمونه‌ها. مأخذ: آرشيو نگارندگان.

### - ناهنجاری

ناهنجاری در گروتسک همواره عاملی ثانویه است. واکنش‌هایی مانند نشاط و انزجار، خنده و ترس و جاذبه و دافعه هم‌زمان، از ناهنجاری شدید ناشی می‌شود. لذت نوآوری از حد معینی که می‌گذرد به ترس تبدیل می‌شود. این ناهنجاری است که گروتسک از شیوه‌های متعارف فراتر می‌رود و همواره ناقدان و طرفداران زیبایی متعارف را به چالش وامی‌دارد؛ چراکه واکنش افراد مختلف در شرایط گوناگون با این ناهنجاری یکسان نیست (کامرانی، ۱۳۸۰، ۱۱۴-۱۳۵).

### - باختین

فیلسوف روس تبار قرن بیستم میخائیل باختین (۱۹۷۵-۱۸۹۵) به فردی قدرتمند در نقد آثار ادبی معاصر و یک نظریه‌پرداز عمده در مقوله گروتسک تبدیل شد. برای درک دیدگاه او بهتر است ابتدا با ابعاد تئوری او در ارتباط با گروتسک، با مفهوم کارناوال و بدن گروتسک آشنا شد (آدامز و یتس، ۱۳۹۵، ۴۱).

دیدگاه باختین در مورد گروتسک سده‌های میانه نظام مادی از صور خیال بود که فرهنگ فکاهی توده که بهترین بیان ادبی خود را در آثار نویسندگانی نظیر «رابله، سروانتس و شکسپیر» یافته است، آن را خلق می‌کرد. دنیای کارناوال سده‌های میانه که در آن تخیل گروتسک، به اوج شکوفایی خود رسید، به‌طور غیرمعمولی از جانب مقامات کلیسایی شهر در قالب روح حاکم بر ایام تعطیل مجاز دانسته می‌شد. باختین تاریخ اجتماعی کامل گروتسک را دوباره تفسیر کرده، فرهنگ کارناوالی سده‌های میانه را جهانی دانست که در

اثر هنری نیز به صورت ناهماهنگی بروز می‌کنند و واکنشی که ایجاد می‌کنند به حدس و گمان در خلق و خوی هنرمند آفرینشگر و سرشت روانی او منجر می‌شود (تامسون، ۱۳۹۸، ۲۴-۲۵).

### - وحشت‌آور و خنده‌دار

گروتسک سبک تلفیق حس‌های متضاد است از این‌رو، دو حس خنده و ترس را با یکدیگر به مخاطب القا می‌کند. آمیزش دو عنصر وحشت‌آور و خنده‌دار که باعث برانگیختگی احساس ابهام و دوگانگی در مخاطب می‌شود و چهره‌های متفاوت و تفکیک‌ناپذیر حیات را نشانه می‌گیرد نیز برگرفته از همین تلفیق است. از نظر کایزر گروتسک تجلی این دنیای پریشان و از خود بیگانه است، یعنی دیدن دنیای آشنا از چشم‌اندازی که آن را بس عجیب می‌نمایاند و این عجیب بودن ممکن است آن را مضحک و ترسناک جلوه دهد یا هم‌زمان، هر دوی این کیفیت‌ها را بدان ببخشد (همان، ۳۰). گروتسک در عین خنده‌دار بودن، وحشت‌آفرین است، چیزی که پیش از این آشنا بوده، توسط گروتسک چندمعنا و چندشقه می‌شود و همین فرم تازه احساسات متناقضی مثل شادی و وحشت را در تصاویر متجلی می‌کند (کوندرا، ۱۳۸۳، ۲۵۴).

### - افراط و اغراق

دلیل مهم استفاده از اشکال و عناصر افراطی در گروتسک برجسته کردن و تأثیر مضاعف یک پدیده است. این مسئله در خیال‌پردازی بارزتر است، اما به جهان واقعی ارجاع می‌دهد و همواره با نوعی افراط در بیان عاطفی توأم است (فنائی و واحددهکردی، ۱۴۰۰، ۸۲).

نیست جز بدنی که درحال صیوروت یا شدن است، هرگز تمام نمی‌شود، هرگز کامل نمی‌شود، درون یک پیوستار ساخته می‌شود، خلق می‌شود و بدنی دیگر را می‌سازد و خلق می‌کند. بدن علاوه بر آن جهانی را می‌بلعد که خود بلعیده جهانی دیگر است (هولکویست، ۱۳۹۵، ۱۴۵).

بدن گروتسک تجلی جهانی ناتمام و همواره درحال تغییر با ذاتی دوگانه است که در آن مرگ و زندگی در تقابل باهم قرار دارند که همزمان می‌بلعد می‌گیرد، باردار می‌شود، می‌زاید و می‌میرد. این‌ها همگی مظاهر بدن هستند. این بدن درخود بسته نیست، دارای منافذ و روزنه‌هایی به‌سوی جهان است، چشم، گوش، بینی، دهان و ... برخی اعضای آن تکرار و برخی حذف شده‌اند و از این‌رو برخلاف زیبایی‌شناسی کلاسیک زشت و هیولایی ناتمام و گشوده است. منطق هنری تصویر گروتسک هر نوع سطح بسته و غیرقابل نفوذ را رد و بر روزنه‌های بدن تمرکز می‌کند (Bakhtin, 1984, 317).

### فالنامه

علاقه انسان به پیش‌بینی و پیش‌گویی آینده منجر به تهیه فالنامه‌ها شده است. در دوره صفویه فالنامه‌های مصور با حمایت و سفارش دربار تولید شده که به دلایلی متمایز از سایر فالنامه‌ها هستند. در فالنامه‌های مصور این دوره هنر نگارگری با هدف پیش‌گویی و فالگیری به خدمت گرفته شده است که این موضوع کاربرد ویژه و منحصر به فردی را برای هنر نگارگری که در طول تاریخ خود بیشتر در خدمت مصور کردن کتاب‌های ادبی به‌ویژه شاهنامه بوده، رقم زده است (اخوانی و محمودی، ۱۳۹۸، ۲۰). تنها چهار نسخه مهم و تاریخی از این دست آثار استثنایی که درباریان و عوام استفاده می‌کردند باقی مانده است. این نسخ برجامانده به خاطر داشتن تصاویر جالب و درخشانی از پیامبران، قهرمانان، دیوها و اشعار و علائم منطقه البروج، اهمیت بسیاری دارند. این طالع‌بینی‌ها و پیش‌گویی‌ها ترسیمی قابل ملاحظه و متون مرتبط با آن تصاویر نه فقط جنبه کمتر شناخته شده دستاوردهای هنری صفویه را روشن‌تر می‌کند بلکه علاقه مشترک شاهان، سلاطین و وزراء به پیش‌گویی‌های مصور را در پایان هزاره اول اسلامی نشان می‌دهد. چهار نسخه فالنامه دوره صفوی عبارت‌اند از: فالنامه پراکنده طهماسبی، فالنامه موزه توپقاپی سرای، فالنامه موزه درسدن آلمان، فالنامه ترکی سلطان احمد اول (عصار کاشانی، ۱۳۹۳، ۷۶).

### گروتسک در نگاره دابه‌الارض

پیکره دابه‌الارض با داشتن ویژگی‌هایی مانند ناهماهنگی در اجزای بدن، افراط و اغراق در اندازه و فرم و ناهنجاری به دلیل داشتن اعضای نامتجانس، هم‌زمان که وحشت‌آور

تقابل با جهان رسمی و ملال‌آور مرجعیت نهادینه که حتی جشن‌های مجاز را نیز دربرمی‌گرفت، قرار داشت. باختین توضیح می‌دهد که پس از رنسانس حکومت به‌طور فزاینده‌ای آزادی کارناوال را محدود کرد. در سده‌های بعد، گروتسک بدون آنکه هیچ‌گونه ارتباطی با فرهنگ توده‌ای داشته باشد، در سنت‌های ادبی باقی می‌ماند (مکاریک، ۱۳۸۴، ۲۵۰). او معتقد است گروتسک فاش‌کننده احتمال دنیایی کاملاً متفاوت با تناسبی دیگر است و دنیای حاضر ناگهان و به‌طور کامل برای ما بیگانه می‌شود، زیرا امکان یک جهان مساعد مانند دوران طلایی و حقیقت کارناوال یا خوش‌گذرانی در آن تجلی می‌یابد (آدامز و یتس، ۱۳۹۵، ۴۴).

### • کارناوال

کارناوال باختین تجلی روح کارناوال در تولیدات فرهنگی مانند نقاشی و آثار ادبی است. ایده اصلی باختین در کمندی کارناوالی و رئالیسم گروتسک، به تصویر کشیدن بدن انسان است. روش‌هایی که در آن بدن انسان با ویژگی‌ها و توابع خود به‌عنوان یک بیان بصری متعلق به عرصه رئالیسم گروتسک است (افتخاری یکتا و نصری، ۱۳۹۵، ۲۳).

به‌زبان ساده‌تر کارناوال جایی است که عامه مردم خود را کاملاً در اختیار افراط‌های تند و زننده فیزیکی-جسمانی قرار می‌دهند. باختین تأکید می‌کند که از این طریق مرز میان انسان و جهان پاک می‌شود. کارناوال با مخدوش کردن تمایز میان ذهن و جسم خود و دیگری و میان انسان و طبیعت دست به مبارزه‌ای عمیق در برابر ایده‌آل بورژوازی سنتی، پیش‌بینی‌پذیری و استواری و فردبستگی می‌زند (غلام‌حسین‌زاده و غلام‌پور، ۱۳۸۷، ۱۴۹-۱۴۸). به قول باختین «در کارناوال اسلوب جدید ارتباط انسان با انسان بسط می‌یابد» (Bakhtin, 1984, 164). کارناوال روابط آشنا را غریبه می‌کند، به‌فهم باختین کارناوال ابزاری برای نشان دادن دیگربودگی است (هولکویست، ۱۳۹۵، ۱۴۵-۱۴۴).

### • بدن گروتسک

اوج زیبایی گروتسک را می‌توان در تصویری یافت که از تغییر شکل فرایند زمانمند و متضاد اما به‌هم‌پیوسته تولد و مرگ و از پایان یافتن و صیوروت رسم می‌کند. نمادگرایی گروتسک به‌وضوح امکان کمال و پایان یافتن و غایت را انکار می‌کند. به‌طورمثال ایماژهای کارناوالی در بیشتر موارد متضمن ترکیبی بازیگوشانه از اشکال حیوانی، گیاهی و انسانی یا دگردیسی یکی به دیگری است، به‌گونه‌ای که محدوده‌های معمول و جهانی به‌طور جسورانه‌ای درنوردیده می‌شوند. نظام ایماژهایی که ملازم تن گروتسک هستند در مناسک و زبان و آثار هنری-فرهنگی مردمی اشکال بی‌شماری به‌خود می‌گیرند (غلام‌حسین‌زاده و غلام‌پور، ۱۳۸۷، ۱۴۹). نگرش باختین با عنوان بدن گروتسک چیزی

از سوی دگر برخاستن دابۀ الارض از زمین با بخش دیگری از نظریات باختین در ارتباط با کارناوال هم‌خوانی دارد. به نظر باختین «اشکالی از خصائص کارناوالی در درون ادبیات، هنر و زندگی روزمره هم وجود دارد. درحقیقت ایده زمین‌گردی زندگی مفهومی است که در کنون امر کارناوالی قرار می‌گیرد. آرزو و آمال کارناوال تخریب و به نابودی کشاندن هژمونی هرنوع ایدئولوژی است که تلاش می‌کند تا درباره جهان حرف آخر را بزند و جزم‌گرایانه معنای خاصی را بر جهان و حیات انسان تحمیل کند» (انصاری، ۱۳۸۴، ۱۲۴).

نگارۀ دابۀ الارض پیکره‌ای ترکیبی است، نیمه‌انسان، نیمه‌حیوان و بخشی پرنده که به نظر می‌رسد نقابی برچهره دارد (تصویر ۳). نقابی که گاه شادمانی و خنده و گاه ترس و وحشت را القاء می‌کند و بر رابطه درونی واقعیت و تصور استوار است که می‌تواند وجه مشخصه آیین و نمایش در نظر گرفته شود. چنان‌که باختین می‌گوید: «در کارناوال مردم با لباس عوض کردن و نقاب بر چهره زدن به صورتی نمادین تغییر هویت می‌دهند. دیگر برای خود هویت فردی و مجزا قائل نیستند. از محدوده قالب فردی و همیشگی‌شان فراتر رفته و به بدن جمعی توده می‌پیوندند و حتی گاهی از آن نیز فراتر رفته و به اشیاء دیگر و جهان می‌پیوندند» (Bakhtin, 1984, 111).

باختین حضور غول‌ها را در کارناوال ضروری می‌داند و اذعان می‌دارد که «غول‌ها نیز بخش ضروری و لاینفکی از تصاویر کارناوالی بودند و به‌این‌دلیل با تصویر گروتسک از بدن نیز به‌شدت مرتبط‌اند» (Dentith, 2005, 235). دابۀ الارض نسبت به سایر عناصر، شخصیتی غول‌آسا به نظر می‌رسد، شخصیتی نیمه‌انسانی و مطابق با بدن گروتسکی که شبیه سایر پیکره‌های انسان در نگاره‌هاست در این میان تصویر ۴. یگانه نگاره‌ای از دابۀ الارض است که با جنسیتی متفاوت (مؤنث) از سایر نگاره‌ها تصویر شده است. به‌طورکلی تمام یا بیشتر قسمت‌های فیزیولوژیکی و اعضای بدن دابۀ الارض می‌توانند جزو خصلت‌های بدن گروتسک قرار بگیرند، چنانچه «پدیده‌هایی مثل کوه، رودخانه، صخره و... را به بدن غول‌مانند آنها مرتبط می‌کنند بنابراین بدن غول از جهان یا طبیعت جدا نیست» (ibid.).

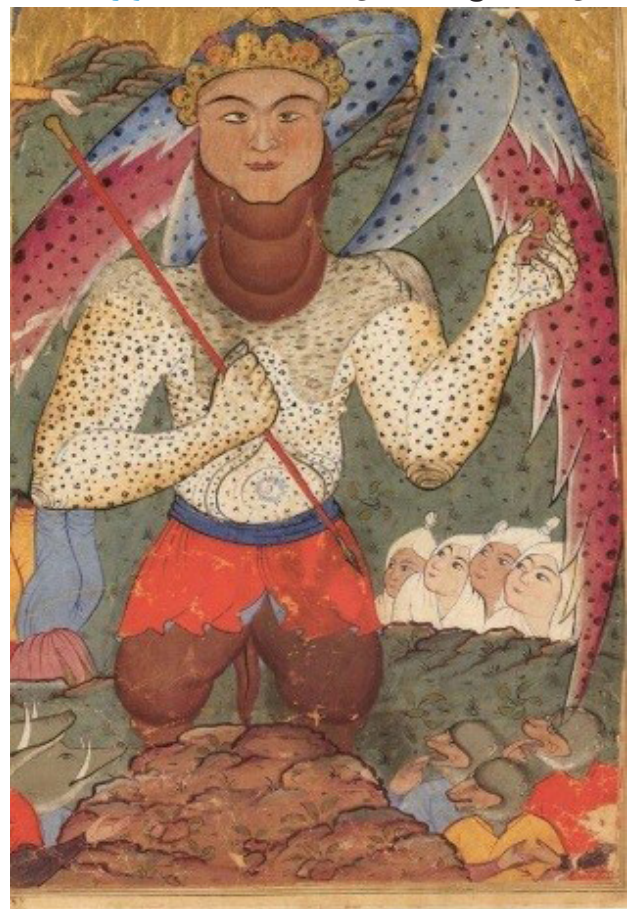
ویژگی‌های فیزیولوژیکی پیکره دابۀ الارض شامل دست و تنه خال‌دار یا پاهایی زبر و خشن با سُم، سری با شاخ، گردنی پُرچین، دهان گشاد با دندان‌های نیش‌دار و آرواره برآمده، بینی مسطح و اغلب عریض یا منقاری‌شکل، چشم‌های از حدقه بیرون‌زده، مو، بال و دم، شاخ حیوانی، بازو و عضلات درشت و ناهنجار ویژگی‌های گروتسک را تداعی می‌کند (تصاویر ۱-۵).

اغراق از ویژگی‌های گروتسک است اما نوعی مبالغه در برخی

است، خنده‌دار است. در ترکیب اجزای بدن دابۀ الارض حقیقت تحریف‌شده و از شکل‌افتاده منجر به ایجاد شخصیتی هیولانگونه شده و با عبور از مرزهای عادی ترس و طنز را توأمان القاء می‌کند. در جدول ۱ (ستون ۳) به‌صورت جداگانه ویژگی‌های گروتسک هر یک از نگاره‌ها برشمرده شده است.

### تحلیل گروتسک در نگارۀ دابۀ الارض بر اساس رویکرد باختین

یکی از مضامین کارناوالی که با انگاره‌پردازی کاملاً غیرمعارف در گونه‌های کارناوالی بازنمایی می‌شود، مضمون مرگ است. مفهوم خاص مرگ در این انگاره‌پردازی به‌هیچ‌وجه با تفاسیر معنوی عزیمت از قلمرو حیات به دنیای مردگان هم‌خوانی ندارد. مرگ جزء لاینفکی از چرخه حیات پیکره جمعی مردم است که خود بخشی از چرخه حیات طبیعت به‌شمار می‌آید. بنابراین مرگ به‌هیچ‌وجه رخدادی تراژیک نیست و می‌توان شادمان آن را جشن گرفت (رمضان‌زاده، ۱۳۹۲، ۶۸). همان‌گونه که در معرفی دابۀ الارض گفته شد این موجود در آخرالزمان از زمین بیرون می‌آید و هم‌جواری آن با مرگ با همراه‌شدن نشانه‌های تصویری مانند کفن‌پوشان یا انسان‌های مسخ‌شده، نشان داده شده است (تصویر ۲).



تصویر ۲. دابۀ الارض، فالنامه طهماسبی (نسخه درسدن). مأخذ: پوراکیب، ۱۳۹۶، ۱۰۴.

اجزای پیکره دابۀ الارض دیده می‌شود که با اغراق مورد نظر گروتسک کمی متفاوت است. مثلاً بینی (تصویر ۳)، شاخ (تصویر ۳)، دُم (تصاویر ۲، ۳ و ۵) و پاها (تصاویر ۴ و ۵) به حدی اغراق شده‌اند که از سایر اجزای پیکره جدا دیده می‌شوند. باختین می‌گوید: «مبالغه در هر یک از اندام‌های بدن تصویری از قطع عضو می‌سازد». قطع عضو به معنای اغراق بیش از حد در یک عنصر است و باختین آن را این‌گونه شرح می‌دهد: «اگر اندام‌های گروتسک در ابعاد غول‌آسا بزرگ شوند، از مرزهای بدن فراتر رفته و تبدیل به اندام گروتسک و عضو مستقل می‌شوند، مانند گوژپستانی با قوزهای عظیم، دماغ‌های غول‌آسا، پاهای دراز غیرعادی و چنبری، گوش‌های بزرگ، ریش انبوه و گره‌خورده و پر از فراز و نشیب» (Dentith, 2005, 235).

پیکره دابۀ الارض با اعضای نامتجانس و ناهماهنگ تداعی‌کننده نوعی «ناتمامی» است. سر ماسک‌مانند با گردنی پرچین، عریض و نامتناسب، بالاتنه انسانی، بال‌های پرنده، پاهای حیوانی وقتی در اجزای یک پیکره به‌طور هم‌زمان دیده می‌شوند بیانگر «صیورت و شدن» است؛ گویی که هر یک از اجزا می‌توانند خود مولد پیکره‌ای دیگر باشند (تصویر ۵). بدنی غول‌آسا که چندتکه‌گی آن هویت مستقل هر یک از اجزا را به‌طور جداگانه تداعی می‌کند و هر عضو می‌تواند بخشی از یک بدن دیگر باشد.

در اندیشه باختین بدن گروتسک بدنی ناتمام است که مدام در حال ساخته شدن است. خود خلق شده و سازه بدنی دیگر است. به نحوی که هر کدام از اجزا می‌توانند جدا شوند و زندگی مستقل داشته باشند. او برای تفسیر مجدد جسم و عملکردهایش و اتحاد دوباره جسم و خود، جسم انفرادی، جسم جمعی و بدنه اجتماع مردم با جسم گیتی و در تأکید به ارتباط مداوم تولد، مرگ، نوزایی و استعاره جامعه تلاش می‌کند پادزهری شفابخش و رهایی‌دهنده را به فرهنگ تشریفاتی و از پیش تعیین شده تزریق کند. گروتسک خصوصاً در تفاسیر باختین جسم و مادیات را ارج می‌نهد و به دنبال پیوند مجدد یا وحدت با این ابعاد و غیرکلامی حیات است که خارج از قدرت یا عقل عمل می‌کند (آدامز و بتس، ۱۳۹۵، ۲۳۴).

باختین معتقد است همان‌گونه که رمان بینامتنی است بدن نیز می‌تواند بینابدنی باشد. همانند رمان بدن را نیز نمی‌توان بیرون از شبکه روابط درهم‌تنیده آنچه عضو زنده می‌نامیم تصور کرد (هولکویست، ۱۳۹۵، ۱۴۵). در پیکره دابۀ الارض به دلیل ترکیب اجزای انواع موجودات (مانند حیوان، انسان و پرنده) این «بینابدنیت» قابل مشاهده است (تصاویر ۱-۳).

در حقیقت گروتسک به دنبال اندام‌هایی است که برجسته شده از بدن جلو می‌زنند، اندام‌هایی که در تقابل با جهان



تصویر ۳. دابۀ الارض، فالنامه، احتمالاً ایران. مأخذ: Farhad & Bagci, 2009, 187.



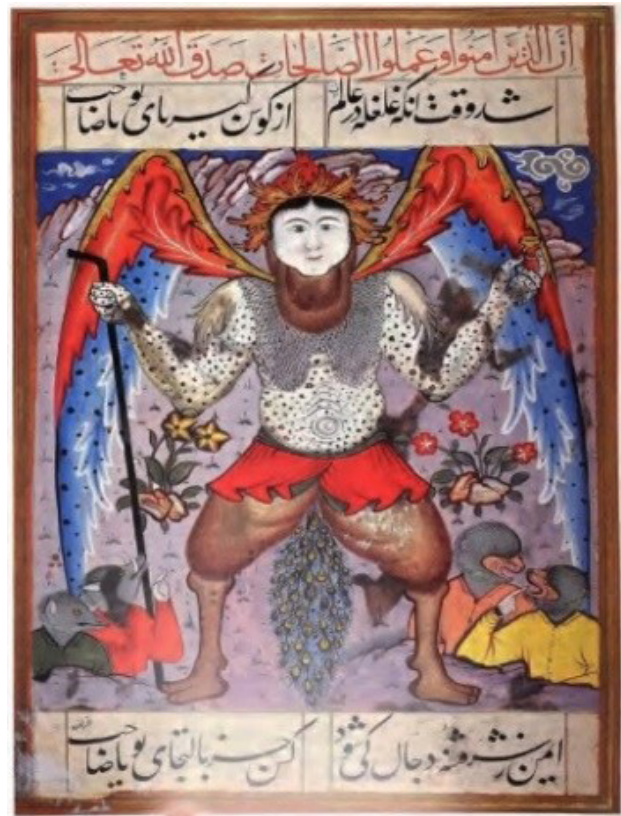
تصویر ۴. دابۀ الارض، فالنامه، احتمالاً ایران. مأخذ: Farhad & Bagci, 2009, 189.

## نتیجه گیری

اگرچه در نگارگری ایرانی پیکره انسان بدنی ایده‌ال است که در تمامی مکاتب با ویژگی‌های کمابیش مشابه دیده می‌شود، اما آنجا که موضوع نگاره موجودی ناشناخته است، فرم و بافت و اندازه از حالت ایده‌آل خارج و در قالب دیگری ترسیم شده است. در فالنامه‌ها نیز شیوه ترسیم موجودات ناشناخته با سایر پیکره‌های انسانی متفاوت است.

نگاره دابة الارض موجود در فالنامه‌ها با توجه به موضوع متفاوت و اسرارآمیز، با ویژگی‌هایی مانند ناهنجاری، ناهماهنگی، اغراق و افراط به دلیل القاء ترس و طنز به صورت توأمان در قالب گروتسک قابل تطبیق است. عدم تجانس اعضا به دلیل وجود بال و دست و عصا، ناهنجاری در فرم بدن و بافت، ناهماهنگی در اندازه سر و گردن، بالاتنه و پاهای اغراق در اندازه‌های اجزای پیکره و همچنین اندازه پیکره در قیاس با فضای نگاره، وحشت‌آور به دلیل ناشناختگی و اندازه غول‌آسا و خنده‌آور به دلیل بافت و فرم متفاوت و ناهماهنگی، در قالب گروتسک قرار می‌گیرد. در رئالیسم گروتسک ارتباط گروتسک با امور مادی و جسمانی عالم مورد توجه است که نه تنها تخطی از هنجارها و نظم طبیعی جهان محسوب نمی‌شود بلکه هنجارها و نظم ویژه خود را دارد.

از سوی دیگر ویژگی‌هایی مانند ناتمامی، حس مرگ، ماسک، قطع عضو، درهم‌آمیختگی و آشفتگی، تضاد و دوگانگی کارناوالی که توسط باختین در ارتباط با کارناوال و بدن گروتسک مطرح شده است، نیز در پیکره دابة الارض قابل تشخیص است. هم‌زمانی مفهوم مرگ با دابة الارض، تضاد و دوگانگی کارناوالی به دلیل وجود بال و دست و تاج متفاوت روی سر، ترکیب اجزای انسانی با عناصر حیوانی مانند بال، دم و سُم، ناتمامی در فرم و بافت سر و گردن و پاهای ایده ماسک در ترکیب اعضای صورت با تاج روی سر و بال و دم با دست و پا، درهم‌آمیختگی فرم و بافت متفاوت و متناقض، قطع عضو به دلیل اغراق در اندازه و ناهماهنگی بافت متفاوت اجزای بدن ویژگی‌هایی است که نگاره دابة الارض را با گروتسک باختین منطبق می‌سازد. در حالت پیکره‌های دابة الارض که به نوعی عناصری از طنز در آن وجود دارد، بازنمایی گروتسک از گفتمانی خیال‌انگیز برای توصیف بدن و عملکردهای آن تعریف می‌شود. بنابراین مطابق با گروتسک باختین پیکره دابة الارض نمایش نوعی دیوانگی است که منجر به خنده‌ای در واکنش به ترس از ناآشنا بودن موضوع می‌شود. باختین گروتسک را خلق مجدد جهان در کالبدی دیگر و در قامتی نوین می‌داند. براین مبنا بدن گروتسک بدنی است نامتجانس که انتظارات مخاطب از تناسب را به هم می‌ریزد. از ویژگی‌های آن می‌توان به ابعاد



تصویر ۵. دابة الارض، فالنامه، احتمالاً ایران. مأخذ: Farhad & Bagci, 2009, 188.

خارج هستند، بدن را امتداد داده و آن را به بدن‌های دیگر و جهان بیرون متصل می‌کنند (Dentith, 2005, 226). بدن‌هایی که می‌میرند و دوباره از نو زاده می‌شوند. انکارکننده وحدت وجودی و تمامیتی لازمه سرشت راستین. بدن گروتسک اغراق، حذف، ناتمامی، درهم‌آمیختگی، ناهماهنگی و گشودگی را هم‌زمان به تصویر می‌کشد و از همین رو و به دلیل این ذات دوگانه موحش و خنده‌دار است.

در **جدول ۱** (ستون ۴) گروتسک باختین با شاخص‌هایی مانند تضاد و دوگانگی کارناوالی، ناتمامی، ایده ماسک (مسخ)، درهم‌آمیختگی و قطع عضو در نگاره‌های دابة الارض به صورت جداگانه نشان داده شده است. همان‌گونه که در ستون ۳ **جدول ۱** مشاهده می‌شود مشخصاتی مانند ناهماهنگی، ناهنجاری، اغراق، وحشت‌آوری و طنز ویژگی‌هایی است که در همه نمونه‌ها به چشم می‌خورد و نگاره دابة الارض را در قالب گروتسک جای می‌دهد. از سوی دیگر مطابق با ستون ۴ **جدول ۱** شاخصه‌هایی مانند تضاد و دوگانگی کارناوالی، ناتمامی، ماسک (مسخ) و درهم‌آمیختگی عناصر نامتناقض به دلیل ترکیب اجزای انسانی با عناصر حیوانی و قطع عضو که باختین در ارتباط با گروتسک مطرح می‌کند در هر ۴ نمونه پیکره دابة الارض قابل تطبیق است.



جدول ۱. گروتسک در نگاره‌های دایه‌الارض با رویکرد باختین. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	تصویر	ویژگی‌های گروتسک	ویژگی‌های گروتسک باختین
		عدم تجانس با وجود بال و دست و عصا، ناهنجاری در فرم بدن و بافت، ناهماهنگی در اندازه گردن، بالاتنه و پاها، اغراق در اندازه، وحشت‌آور به دلیل اندازه گول‌آسا و خنده‌آور به دلیل بافت و فرم متفاوت.	تضاد و دوگانگی کارناوالی به دلیل وجود بال و دست، ترکیب با عناصر حیوانی مانند دم و بال، ناتمامی در فرم و بافت گردن، ایده ماسک (مسخ) در ترکیب بال و دم با دست و پا، درهم‌آمیختگی فرم و بافت متفاوت و متناقض، قطع عضو به دلیل اغراق در اندازه و فرم متفاوت گردن.
		عدم تجانس بال‌ها و دست و عصا، شاخ و دم، ناهنجاری در اعضای صورت و فرم و بافت بدن، ناهماهنگی در فرم، اندازه بال‌ها و پاها، اغراق در اندازه، وحشت‌آور به دلیل شاخ و دم و خنده‌آور به دلیل بافت و فرم متفاوت و ناهماهنگ.	تضاد و دوگانگی کارناوالی به دلیل وجود بال و دست و شاخ، ترکیب با عناصر حیوانی مانند دم و بال و شاخ، ایده ماسک (مسخ) در فرم چشم‌ها، بینی و شاخ‌های اغراق‌شده با حالت موها، ترکیب ناهماهنگ بال و دم با دست و پا، درهم‌آمیختگی فرم و بافت متفاوت و متناقض، قطع عضو به دلیل اغراق در شکل عجیب و غریب دم و اندازه و فرم پاها.
		عدم تجانس بال و دست و عصا، ناهنجاری در صورت زنانه با اندام مردانه، ناهماهنگی در پوشش، اندازه بال‌ها، بالاتنه و پاها، اغراق در اندازه، وحشت‌آور به دلیل اندازه گول‌آسا و خنده‌آور به دلیل بافت و فرم ناهماهنگ.	تضاد و دوگانگی کارناوالی به دلیل وجود بال و دست و تاج متفاوت روی سر، ترکیب با عناصر حیوانی مانند بال، ناتمامی در فرم و بافت پاها، ایده ماسک (مسخ) در ترکیب اعضای صورت با تاج روی سر و بال و دم با دست و پا، درهم‌آمیختگی فرم و بافت متفاوت و متناقض، قطع عضو به دلیل اغراق در اندازه و بافت متفاوت پاها.
		عدم تجانس بال و دست و عصا، ناهنجاری در فرم پاها و دست‌ها، بافت بالاتنه و پاها، ناهماهنگی در شکل سر و گردن با پاها، اغراق در اندازه، وحشت‌آور به دلیل اندازه گول‌آسا و خنده‌آور به دلیل بافت ناهمگون و حالت ایستادن.	تضاد و دوگانگی کارناوالی به دلیل وجود بال و دست و سم، ترکیب با عناصر حیوانی مانند سم و بال، ناتمامی در فرم و بافت گردن، ایده ماسک (مسخ) در ترکیب بال و دم با دست و پا و تاج روی سر با صورت و گردن، درهم‌آمیختگی فرم و بافت متفاوت و متناقض، قطع عضو به دلیل اغراق در بافت گردن و فرم متفاوت پاها.

### فهرست منابع

- ابوالفتوح رازی، حسین‌بن‌علی. (۱۴۰۸ ه. ق.). *روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیرالقرآن* (تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح). ج. ۱۵. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اخوانی، سعید و محمودی، فتنه. (۱۳۹۸). تحلیل مضامین بصری فالنامه‌های مصور عصر صفوی بر مبنای کاربرد در امر پیش‌گویی. نگره، (۴۹)، ۱۹-۳۷.

عجیب و غول‌آسا، درهم‌آمیختگی، تکثیر اجزا و اندام‌های گوناگون اشاره کرد. به طور کلی جهانی که باختین ارائه می‌کند شباهتی به دنیای کنونی ندارد بلکه نگرشی رستاخیزی از جهانی تازه است که درعین تناقض، تصاویر اسطوره‌ای و گروتسکی به مراتب مثبت‌تر از سایر تئوری‌های مطرح‌شده در این رابطه را نشان می‌دهد.

- آدامز، جیمز لوتر و یتس، ویلسون. (۱۳۹۵). گروتسک در هنر و ادبیات (ترجمه آتوسا راستی). تهران: قطره.
- افتخاری یکتا، شراره و نصری، امیر. (۱۳۹۵). کرد «بدن گروتسک» در نقاشی‌های محمد سیاه قلم بر مبنای اندیشه میخائیل باختین. هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، (۶۷)، ۲۱-۳۰.
- امامی، مونا و کامرانی، بهنام. (۱۳۹۸). بررسی ویژگی‌های بدن گروتسک در چهار نقاش معاصر ایران. *کیمیای هنر*، (۳۳)، ۲۱-۳۹.
- انصاری، منصور. (۱۳۸۴). *دموکراسی گفتگویی*. تهران: مرکز.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۱). *دایره‌المعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.
- پوراکبر، آرش. (۱۳۹۶). *فالننامه شاه طهماسبی*. تهران: فرهنگستان هنر.
- تامسون، فیلیپ. (۱۳۹۸). گروتسک (ترجمه فرزانه طاهری). تهران: مرکز.
- رمضان‌زاده، مهدی. (۱۳۹۲). *بررسی نظریه‌های بازی، گروتسک و کارناوال از باختین در گزیده‌ای از تئاترهای معاصر ایرانی* (پایان‌نامه منتشر نشده دکتری). دانشگاه هنر، تهران، ایران.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ ه.ق.). *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: مؤلف.
- طاهری قمی، سید محمد. (۱۳۹۹ الف). *حکمت غریب نقش عجیب*. اصفهان: هرمان
- طاهری قمی، سید محمد. (۱۳۹۹ ب). *واکاوی نسبت قوه خیال با عجایب‌نگاری در نگارگری ایرانی اسلامی*. پیکره، (۲۱)۹، ۳۷-۵۲.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). *المیزان*. ج. ۱۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عصار کاشانی، الهام. (۱۳۹۳). *تأثیر تفکر شیعی بر فالنامه‌های مصور دوره اول صفوی* (پایان‌نامه منتشر نشده دکتری). دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.
- غلام‌حسین‌زاده، غریب‌رضا و غلام‌پور، نگار. (۱۳۸۷). *میخائیل باختین- زندگی، اندیشه‌ها و مفاهیم بنیادین*. تهران: روزگار.
- فنایی، زهرا و واحددهکردی، فرزانه. (۱۴۰۰). *تحلیل رابطه*
- کهن‌الگوی شر با مفهوم گروتسک در نگاره‌های البهان ابومعشر بلخی. *میانی نظری هنرهای تجسمی*، (۱۱)، ۷۶-۸۹.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۷۷). *احسن الحدیث*. ج. ۱. تهران: بنیاد بعثت.
- کامرانی، بهنام. (۱۳۸۰). گروتسک در نقاشی. هنر و معماری، (۴۹)، ۱۱۴-۱۳۵.
- کوندرا، میلان. (۱۳۸۳). *هنر داستان‌نویسی* (ترجمه پرویز همایون پوریخت). تهران: قطره.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. ج. ۱۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۴). *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر* (ترجمه مهرا مهران مهاجر و محمد نبوی). تهران: آگه.
- نولز، رولاند. (۱۳۹۱). *شکسپیر و کارناوال پس از باختین* (ترجمه رویا پورآذر). تهران: هرمس.
- هولکویست، مایکل. (۱۳۹۵). *مکالمه‌گرایی میخائیل باختین و جهانش* (ترجمه امیر خانلو). تهران: نیلوفر.
- هاینز، دیورا. جی. (۱۳۹۹). *باختین در قابی دیگر* (ترجمه ستاره نوتاج). تهران: مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- Bakhtin, M.M. (1984). *Rabelais and his word* (H. Isowolsky, Trans.). Bloomington: Indian University Press.
- Dentith, S. (2005). *Bakhtinian Thought*. New York: An introductory reader, Routledge.
- Harpham, G. G. (2007). *On the Grotesque: Strategies of contradiction in art and literature*. Aurora: The Davies Group Publishers.
- Kayser, W. (1963). *The Grotesque in Art and Literature*. Bloomington: Indian University Press.
- Kuryluk, E. (1987). *Salome and Judas in the cave of sex - The Grotesque*. Origins Iconography Techniques, & Evanston. Illinois: Northwestern University Press.

**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:  
 واحد دهکردی، فرزانه؛ فتایی، زهرا؛ دهباشی، مهدی و مجابی، سید علی. (۱۴۰۲). تحلیل گروتسک در نگاره دایه‌الارض فالنامه‌ها بر اساس رویکرد باختین. *باغ نظر*، (۱۱۹)۲۰، ۳۹-۴۸.



DOI: 10.22034/BAGH.2022.334920.5156  
 URL: [http://www.bagh-sj.com/article\\_169542.html](http://www.bagh-sj.com/article_169542.html)